

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



بازتاب جنگ و صلح در اشعار شهریار، شاعر چندین دوره جنگ و حوادث تاریخی مهم

مهدی میرزائی\*<sup>۱</sup>، مهدی اسکندری<sup>۲</sup>، مهدی خداویردی زاده فرد<sup>۲</sup>، مهران محمودی<sup>۲</sup>، هادی علیوردی پور<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دکتری برق-قدرت، مدرس گروه برق، مرکز خداآفرین، واحد کلیبر، دانشگاه آزاد اسلامی، کلیبر، ایران

<sup>۲</sup> دانشجو، گروه برق، مرکز خداآفرین، واحد کلیبر، دانشگاه آزاد اسلامی، کلیبر، ایران

Email Group (mirzaeymehdi@yahoo.com)

## چکیده

صلح از قدیمی‌ترین آرمان‌های بشری است و به دلیل اینکه از هر ارزش دیگری در معرض تهدید و مخاطره بوده است، همواره انسان‌ها چه از نظر تئوریک و چه به لحاظ راه‌حل‌های عملی مقطعی در تلاش چاره‌جویی برای رسیدن به آن بوده‌اند در این تحقیق بازتاب جنگ و صلح در اشعار شهریار، شاعر چندین دوره جنگ و حوادث تاریخی مهم، مورد بررسی قرار گرفته است. عصری که شهریار در آن زندگی می‌کرد یکی از دوره‌های پر ادبار و آشفته تاریخ ایران می‌باشد که جنگ‌ها و حوادث داخلی زیادی در آن دوره اتفاق افتاده که از آن جمله می‌توان به جنگ‌های جهانی اول و دوم، انقلاب بزرگ مشروطیت، کودتای ۲۸ مرداد، جنگ ایران و عراق و... اشاره کرد. این رخدادها باعث شد تا شهریار علاوه بر شعرهای عاشقانه، عرفانی و اعتقادی به سرودن اشعاری که انعکاسی از جنگ در آن است بپردازد و پیامدها و اثرات منفی ناشی از جنگ را به تصویر بکشد. در قبال این اتفاقات ناگوار خلاء یک مسأله اساسی احساس می‌شود تا بتواند انسان را به آرامش برساند که آن چیزی نیست جز صلح و آشتی و دوستی جهانی، که شهریار از آن غافل نبوده و در اشعار خود از صلح جهانی و پیامدهای خوب آن بر جامعه سخن گفته است.

## واژه‌های کلیدی

شهریار، صلح، جنگ، دین، عدالت، اشعار

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



## ۱- مقدمه

واژه صلح در لغت به معنی مسالمت، سازش و از بین بردن نفرت میان مردم است و کلمات صلاح و صالح به معنی مطابق با عدل و انصاف و شایسته و به دور از هرگونه فساد و اصلاح به معنی صلح و الفت از همین واژه ریشه گرفته‌اند. (دهخدا: ۱۳۳۷)

خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ». (انفال/۱) یعنی به خدا تقوا بورزید و میان خود صلح برقرار نمایید. «الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ». (شعرا/۱۵۲) یعنی مسرفین کسانی هستند که در روی زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند.

گرچه حالت ستیزه‌گری و جنگ در میان انسان‌ها از یک سلسله احساسات سرکش درونی سرچشمه می‌گیرد. و گزینه حب ذات در زمینه‌سازی جنگ و به وجود آمدن حالت ستیزه‌گری نقش اساسی ایفا می‌کنند اما نباید از این نکته غافل شد که ارتباط عارضه جنگ با غرایز انسانی تنها در صورت افراط در بهره‌برداری از غرایز قابل قبول است از این رو اگر ما عوامل درونی و علل روانی تبدیل جنگ را در انسان جستجو نماییم باید انگشت روی حالت روانی عارضی و اصطلاح غرایز ثانوی که حالت افراط و تفریط در بهره‌برداری از غرایز اولیه است بگذاریم قابل انکار نیست که مقتضای فطرت و طبیعت انسان در مناسبات و روابطی که در میادین مختلف اجتماعی و سیاسی با هموعان خود پیدا می‌کند با قطع نظر از علل و عوامل خارجی، حالت همزیستی و صلح می‌باشد و این حالت فطری و طبیعی با سجایای نیک و خصایص و ملکات اکتسابی و پسندیده انسانی نیز پیوندی بس عمیق و غیرقابل تفکیک دارد. پیوند فطری، طبیعی و اخلاقی همزیستی و صلح با انسان از نظر واقعیت‌های عینی و حقایق تاریخی نیز مورد تایید بوده و اصول و قواعد عقلی نیز این پیوند معنوی را تایید و تحکیم می‌کند.

صلح از قدیمی‌ترین آرمان‌های بشری است و به دلیل اینکه از هر ارزش دیگری در معرض تهدید و مخاطره بوده است، همواره انسان‌ها چه از نظر تئوریک و چه به لحاظ راه‌حل‌های عملی مقطعی در تلاش چاره‌جویی برای رسیدن به آن بوده‌اند. تاریخ سیاسی جهان شاهد عهدنامه‌ها و قراردادهای دو یا چندجانبه بین دولت‌هاست که نمایانگر گوشه‌ای از فعالیت‌های بشری در راه برقراری صلح و همزیستی است. در حقیقت تلاش برای صلح همواره به موازات اقدام برای تجاوز و جنگ افروزی در روابط بین ملت‌ها ادامه داشته است. همه آنهایی که دم از صلح می‌زنند از این شعار ایده‌آل مفهوم واحدی ندارند. زیرا بی‌گمان ایدئولوژی‌ها و دیدگاه‌های فلسفی همواره زیربنای واژه‌ها به ویژه در علوم سیاسی هستند. در حقیقت صلح مورد نظر سرمایه‌داری غرب به رهبری آمریکا با صلح مورد نظر کشورهای مسلمان و صلح مورد نظر بوسنیایی‌ها با صلح مورد نظر صرب‌ها از زمین تا آسمان تفاوت دارد، صلح مورد علاقه یک قدرت بزرگ با صلحی که یک کشور ضعیف برای حفظ موجودیت و استقلال خودخواهان آن است فرق می‌کند. صلح برای یک کشور قدرتمند به معنی آن است که منافع ملی آن در اقصی نقاط عالم مورد تهدید قرار نگیرد، به آن کشور امکان استفاده از تمام منابع بالفعل و بالقوه را بدهد و در مجموع مفهومی وسیع جهانی از صلح را مد نظر دارد. مانند درکی که آمریکا از صلح دارد. اما برای یک کشور ضعیف مانند کویت منظور از صلح چیزی جز حفظ موجودیت و به مخاطره نیافتادن استقلال و حکومتش نمی‌باشد. در فرهنگ‌های سیاسی هم صلح به معنای حالت آرامش در روابط عادی با کشورهای دیگر و فقدان جنگ و نیز فقدان نظام تهدید می‌باشد. همزیستی مسالمت آمیز در روابط میان کشورها با نظام‌های مختلف به معنای رعایت اصول حق حاکمیت، برابری حقوق، مصونیت، تمامیت ارضی هر کشور کوچک یا بزرگ، عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها و فیصله دادن به مسائل بین‌المللی است. در ادبیات قدیم پارسی صلح هم‌معنای لغت آشتی و به معنای مقابل حرب و جنگ آمده است در دوران معاصر مفهوم صلح گسترش یافته و با تفکرهای شرق آسیایی و بعدها تفکرات مسیحی که صلح درونی را معرفی کرده‌اند آمیخته شده‌است در این مفهوم صلح شرایطی آرام، بی‌دغدغه و خالی از تشویش، کشمکش و ستیز است. صلح یک آرمان جهانی تلقی می‌شود. صلح یک مفهوم مطلق نیست و می‌تواند بسته به دیدگاه دینی و فرهنگی تعریف متفاوتی داشته باشد به همین ترتیب از جنبه‌های مختلفی می‌توان صلح را مطالعه کرد. شامل مسائل مربوط به جنگ، خلع سلاح و کنترل تسلیحات نظامی و سایر موضوعات.

مفهوم صلح را با آتش‌بس نباید اشتباه گرفت. آتش‌بس به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن طرفین درگیر در یک مناقشه به صورت یک طرفه یا دو طرفه تحت شرایط خاص از جنگیدن دست می‌کشند. صلح به معنای پایان دادن به مناقشه و قطع جنگ می‌باشد. برای بازگشت به وضعیت جنگ اعلان جنگ از یکی از طرفین الزامی است. رسیدن به صلح در یک جنگ به طور کلی به دو روش میسر است. جنگیدن و وادار کردن طرف مغلوب به پذیرش صلح خود یکی از راههای رسیدن به صلح است که به صلح رومی معروف است. در این وضعیت طرف پیروز و یا مجموعه‌ای از قدرتهای بی‌طرف شرایط صلح تنظیم می‌کنند که معمولاً به نفع سمت پیروز

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



است. راه دیگر رسیدن به صلح با کمک مذاکرات سیاسی و یا فعالان صلح است. آرمان جهانی صلح دوستان حفظ صلح در سطح جهان است ولی در واقعیت همیشه جنگها و مناقشات وجود داشته‌اند و به وجود می‌آیند و آنچه صلحدوستان دنیا به دنبالش هستند ترک مناقشات و برقراری صلح در این مناقشات است.

ناتوانی انسان در برابر برقراری صلحی در مناقشات متفکرانی همچون کریشنامورتی را به بیان مفاهیم بدیعی از صلح رهنمود کرده‌است، کریشنامورتی صلح را وضعیتی می‌داند که در آن تمام مناقشات و مسائل حل شده‌اند و هر نوع واکنش به جنگ را زمینه‌ای برای مناقشات بعدی می‌داند. در تفکر کریشنامورتی ما بخشی از دنیا هستیم و برخورد با مساله به عنوان مشکلی در بیرون از وجود ما اشتباه است. دنیا تو هستی و دنیا از تو جدا نیست. دنیا با تمام مشکلاتش از پاسخهای تو شکل یافته‌است، بنابر این راه حل در ایجاد مشکلات تازه نیست.

## ۲- مفهوم صلح در دین اسلام

صلحی که اسلام می‌خواهد با آن معنایی که امروز از صلح در میان دولت‌ها متعارف است فرق دارد. صلح اسلامی دارای معنی عمیق و وسیع‌تری بوده و آن عبارت است از همزیستی و سازشی که تحت نام خدا، که عبارت از عدالت و امنیت اجتماعی و عمومی برای همه مردم است، روی کره زمین برقرار سازد.

رسالت همه ادیان آن است که بشر به کمال برسد و از جمله مهمترین جلوه‌های کمال، زندگی در صلح و آرامش البته مبتنی بر عدالت است. در اسلام مقوله صلح دارای جایگاه مبنائی و گسترده‌ای است و سلام و سلم در اسلام مکرر کاربرد دارد و روزانه بارها مسلمین با این شعار همدیگر و یا دیگران را خطاب قرار می‌دهند، به عالیترین شکل توجه به صلح و دوستی را ترویج میدهد. سلام به مفهوم صلح یکی از نامهای پروردگار میباشد: هُوَ اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ هُوَ الْمَلِكُ السَّلَامُ.

قرآن، صلح جهانی را برای بشریت مژده داده و میفرماید «ای کسانی که ایمان آورده اید همگی در صلح درآیید و از پیروی شیطان بپرهیزید که او دشمن آشکار شماست» قرآن حتی در مورد اعراب جاهلیت که به جنگ و خونریزی عادت کرده بودند میفرماید «چنانچه برای صلح آغوش گشودند تو نیز برای صلح آغوش بگشای» در سیره عملی پیامبر اسلام نیز نمونه‌های متعددی از صلح خواهی و صلح دوستی و پیمان‌های صلح متعدد را می‌توان برشمرد که هر یک برای بشر معاصر درسهای بزرگی در بر دارد. یادآوری همین یک مورد بس که پس از فتح مکه، پیامبر اسلام در شرایطی که امکان مجازات و تنبیه بسیاری از دشمنان را داشت، میفرماید: الیوم یوم المرحمة (امروز روز شفقت و بخشش است).

## ۳- تعریف صلح جهانی

در طول تاریخ عده زیادی از حکمرانان قدرت طلب و زورمدار با ادعای برقراری صلح و عدالت جهانی، دنیا را به خاک و خون کشیدند و امروز نیز شاهد هستیم که استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا با شعار مقابله با تروریسم و استقرار صلح و آرامش در خاورمیانه، فلسطین، افغانستان و عراق را به صحنه ناجوانمردانه ترین و خشونت بارترین جنگهای تاریخ بدل ساخته و در تلاش برای حفظ برتری نظامی و سیاسی خود بر دنیا به هر جنایتی دست می‌زند. همه انسان‌ها ذاتاً به صلح و آرامش گرایش دارند. هرچند که بسیاری از شخصیت‌هایی هم بودند و وجود دارند که عامل جنگ‌های بزرگی در کره زمین شده‌اند ولی در کل انسان موجودی آرامش طلب است. در طول تاریخ زندگی بشر ادیان بسیاری آمده و مردم را دعوت به صلح و آرامش کرده‌اند دین ما اسلام که آخرین و کاملترین دین هاست نیز دین صلح و سلم و صفاست دو واژه صلح و سلم به کرات در قرآن کریم مورد استفاده قرار گرفته که معنای عمیق داشته و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در قرآن واژه سلم با صلح و مسالمت مترادف است. آنجا که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً» (بقره/ ۲۰۸) یعنی ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی در سلم و صفا داخل شوید.

صلح باعث آرامش روح و روان آدمی و جریان سالم زندگی انسان‌ها می‌شود. بنابراین همه انسانها باید برای برقراری صلح و داشتن یک زندگی آرام در حد و اندازه خود تلاش نمایند.

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



## ۴- شهریار و دیدگاهش نسبت به صلح جهانی

شهریار در طول زندگانی نسبتاً طولانی خود، دو جنگ جهانی و چند حادثه بزرگ ملی از جمله نهضت مشروطیت، روی کار آمدن و برکنار شدن رضا شاه، کودتای ۲۸ مرداد و ۱۵ خرداد ۴۲ و انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و جنگ عراق علیه ایران را تجربه کرده و از مصائب انسانی و اجتماعی ناشی از این حوادث، از قبیل قحطی و فقر و فحشا و کشته شدن انسان های بی گناه را به چشم دیده و به دلیل روح بسیار حساس و شاعرانه ای که داشته، آزرده و افسرده و خشمگین شده است. او در تب تاب بر قراری یک صلح همه جانبه می سوزد و می سازد و در انتظار رسیدن مژده صلح که به مثابه دمیدن روح در کالبد انسان است می نشیند:

رازی از پرده به گوش دل من می گوید  
بازبان دل من گاه سخن می گوید  
سخنی کو همه فتنه است به فن می گوید  
سخنی نیست که هزیان دهن می گوید  
درس بلبل نه به هر زاغ و زغن می گوید  
گر سخن گفت به آداب و سنن می گوید  
سخن از نافه آهوی ختن می گوید  
که به جز ممتحن رنج و محن می گوید  
ناخود آگاه که از بیت خزن می گوید  
با من از داغ جوانان چمن می گوید  
قصه یوسف کنعان یمن می گوید  
راز خونین خود آخر به کفن می گوید  
نقل باز آمدن روح به تن می گوید  
(شهریار، ج ۱، ۱۳۸۹: ۲۵۱)

هاتمی زیر لبی گاه سخن می گوید  
طوطی عشقم و عشق از پس آینه غیب  
سر نهد گاه به گوش فن شعر و آنگاه  
من اگر دم زدم آینه تلقینم بود  
ناصحا حرمت خوددار که آن گلشن راز  
(آدمیزاد) که محکوم کند گرگ ستم  
مشک باشی که گرش طبله گشاید عطار  
امتحانی که (بزرگ آیت تأویل کتاب)  
پیر کنعان سخنی گاه پریشان می گفت  
لاله خونین کفتم یاد خزان آرد و باز  
و آن سهیل یمنی قطره اشگی که هنوز  
پیرهن محرم تن نیست از آن رو لاله  
هر که را مژده بی از صلح جهانی بامن

او وقتی علم را که سلاح جنگ شیطان است به مثابه حربه ای در دست انسان متمدن برای برادر کشی و استعمار و استثمار مردم کشور های ضعیف می بیند، بر می آشوبد و جهل و بی دانشی را بر چنان علمی ترجیح می دهد. و داشتن چنین علمی را که باعث نابودی بسیاری از انسان ها می شود نکوهش می کند:

حربه نفیس آید و نابخردی؟  
بهتر از این دانش مردم کشی است  
رهبر رهزن چو شود، کشتنی است  
تیغ بود در کف زنگی مست  
صاعقه داند شدن آفاق سوز  
میتکر از کرده شود شرمسار  
گرید ادیسون سر خجلت به پیش  
لیک به فرهنگ تو چاه ممت  
برده خریدن به سیاست چرا؟  
خلق خدا بنده خود ساختن  
ورنه نه قانون تو باید نه مرز

(شهریار، ج ۲، ۱۳۸۹: ۷۰۴-۴۰۳)

حیف نبود آن هنر ایزدی  
گر همه بی فضلی و بی دانشی است  
مشعل دانش که علم گشتنی است  
دانش اگر داد به ناهل دست  
برق همان شاهد گیتی فرورز  
چون به زیان خرج شود ابتکار  
برق چو خندد به جنایات خویش  
علم چراغی است به راه حیات  
این همه سودای سیاست چرا؟  
چیست به مستعمره پرداختن  
گر بشود مهر و صفایی بورز

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



در ادامه او از دنیایی حرف می زند که اگر در این دنیا کسی کاری به کس دیگر نداشته باشد آن دنیا اگر دوزخ هم باشد تبدیل به بهشت خواهد شد و در چنین دنیایی خبری از جنگ و خونریزی جهانی هم نخواهد شد:

دوزخ که در او نیست کسی را به کسی کار  
اینجا که رسد هیچ به جز صلح و صفا نیست  
نه صحبت جنگ است و نه آلمان و نه بلژیک  
یک جوقه زده حلقه سر ساغر و ساقی  
زان گوشه هم آن رند نوازنده نامی

جنت بود آن دوزخ و این دوزخیان حور  
گر خود همه دزد است و تبه کار و سلحشور  
نه قصه چین است و نه ژاپون و نه منچور  
یک دسته شده پره بر تمبک و تمبور  
می کوفت فسونکارترین زخمه به سنتور

(شهریار، ج ۱، ۱۳۸۹: ۵۳۱)

شهریار در شعر «طوطی خوش لهجه» از صلح و صفا به عنوان سپر و از محبت به عنوان شمشیر یاد می کند که هیچ کس توانایی پیکار با آن را ندارد:

سپر صلح و صفا دارم و شمشیر محبت  
با تو آن پنجه نبینم که به پیکار من آیی

(شهریار، ج ۱، ۱۳۸۹: ۴۳۸)

شهریار در قصیده «بهشت آرزو» از جهانی که همای آشتی و صلح و صفا بر سرش سایه افکننده حرف می زند که هیچ خونخوار اهریمنی نمی تواند بر او دست یابد:

بر فراز او همای آشتی  
دیو خودخواهی به چاهی سرنگون  
کی در او اهریمن خونخوار جنگ

سایه افکن هشته بال و پر فرو  
بسته راه چاره اش از چارسو  
دست یابد بر جهان صلح جو  
(شهریار، ج ۱، ۱۳۸۹: ۵۵۷)

شهریار اعتقاد دارد اگر در جهان صلح و آرامش بر قرار باشد همه جای دنیا وطن انسان می شود و هیچ فرقی بین مسلمان و ترسا و آسیا و اروپا وجود نخواهد داشت:

وطن کجاست فرو هل فسانه وطن را  
جهان مراست وطن مذهب من است محبت

یکیست دین رها کن حدیث مسلم و ترسا  
چه کافر و چه مسلمان چه آسیا و چه اروپا  
(همان: ۴۴۶)

همچنین شهریار بعد از این که از طریق دانشجویان دانشگاه تهران از قدرت بمب اتمی آگاه می شود و به حساسیت موضوع استفاده نابجا از کشفیات علمی انشتین پی می برد در یک منظومه یاری خواهانه و التماس آمیز ضمن تحسین مقام علمی انشتین از او می خواهد که اجازه ندهد دانش و نبوغ او در جهت کشتار انسان ها و ویرانگری دنیا به کار گیرند البته این کار را دانشجویان از شهریار می خواهند چون می دانستند به غیر از شهریار هیچ کس نمی تواند جلو این کارگیرند بنابراین استاد از عواقب کشفیات علمی انشتین آگاه می سازند و هم بدون معطلی منظومه حاضر را به انشتین نوشته و ارسال می کند:

انشتین صد هزار احسن و لیکن صد هزار افسوس  
حریف از کشف و الهام تو دارد بمب می سازد  
انشتین اژدهای جنگ!  
جهنم کام وحشتناک خود را باز خواهد کرد  
دگر عشق و محبت از طبیعت قهر خواهد کرد  
چه می گویم؟

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



مگر مهر و وفا محکوم اضمحلال خواهد شد  
مگر یک مادر از دل (وای فرزندم) نخواهد گفت  
انشتین بغض دارم در گلو دستم به دامانت  
نبوغ خود به کام التیام زخم انسان کن  
سر این ناجوانمردان سنگین دل به راه آور  
نژاد و کیش و ملیت یکی کن ای بزرگ استاد  
زمین یک پایتخت امپراطوری وجدان کن  
تفوق در جهان قابل مشو جز علم و تقوا را

(شهریار، ج ۲، ۱۳۸۹: ۸۶۰-۸۵۹)

شهریار در ادامه طبق شعر از ایران و ظلم هایی که در جنگ جهانی به آن وارد شده حرف می زند و از دانشمندانی ایرانی چون بوعلی سینا که علم و نبوغش را فقط در راه آسایش بشریت به کار می برند سخن به میان می آورد تا شاید انشتین از خواب غفلت بیدار شده و با عقل و درایت خود کشفیاتش را فقط در راه برقراری صلح به کار ببرد نه ساختن بمب اتمی:

انشتین نامی از ایران ویران هم شنیدستی؟  
حکیمما محترم می دار مهد ابن سینا را  
به این وحشی تمدن گوشزد کن حرمت او را  
انشتین پا فراتر نه جهان عقل هم طی کن  
کنار موسی و عیسی و محمد را  
کلید عشق را بردار و حل این معما کن  
وگر شد از زبان علم این قفل کهن وا کن  
همچنین از زخمی بودن پیکر بشریت در طول جنگ جهانی حرف می زند و اعتقاد دارد این زخم ها فقط به وسیله صلح می تواند التیام یابد:

(شهریار، ج ۲، ۱۳۸۹: ۸۶۱-۸۶۰)

این زخم ها به صلح توان دادن التیام  
گر خود دماغ عقل و خرد نیستش ز کام  
نفرین به دیو جنگ و به دژخیم انتقام  
(شهریار، ج ۱، ۱۳۸۹: ۵۴۶)

زخمی است پیکر بشر از انفجار جنگ  
خون یلان به خاک سیه ریختن چرا؟  
جان برخی فرشته به صلح و صفا و مهر

این زخم ها به صلح توان دادن التیام  
گر خود دماغ عقل و خرد نیستش ز کام  
نفرین به دیو جنگ و به دژخیم انتقام  
(شهریار، ج ۱، ۱۳۸۹: ۵۴۶)

نفرت از جنگ و آرزوی استقرار صلح و صفا و دوستی در میان ملت ها و گسترش سیطره عشق و دوستی در پهنه هستی از آرزوهای شاعر است که به زبان ها و تعابیر گوناگون در آثار خود بیان کرده است. در ادامه از فجایع جنگ و زشتی های آن حرف زده و آرزو می کند که کاش از صفحه تاریخ بشر خونریزی و چنگیز و استیلای آتیلا سسته شود:

جهان گرداب تاریک و در او غلطان به خون هم

ابوالهولان آدمخوار و عفریتان مردم خا

به چنگال و سم و دندان به کام و پنجه و پوزه

همه عفریت و اهریمن به هم درگشتی و هیجا

شیار زخم ها دیدم دهن ها ژرف و خون افشان

ولی خونی که چون آتشفشان هر دم کشد هرآ

به خون شستی ز تاریخ بشر آن صحنه خونین

همه خونریزی چنگیز و استیلای آتیلا

(شهریار ج ۲، ۱۳۸۹: ۱۰۴۶)

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



او در شعر «در تقریظ دیوان استاد ملک حجازی» هدف نهایی زندگی و مقصد و مقصود را صلح کل بیان می کند:

گرش هوای جهان گردی است و سیر و سفر  
وطنش دورنمای تخیل و رویاست  
به شاهراه غبار و غمش سواری هست  
که رو به مقصد و مقصود (صلح کل) است

(همان: ۱۰۶۰)

از دیدگاه شهریار تبدیل کردن دنیا به بهشت یا دوزخ به دست خود ماست. اگر در صلح و صفا بکوشیم و خلق و خوی انسانی داشته باشیم، عالم به زیبایی و آرامش بهشت خواهد بود و اگر به جنگ و جدل بپردازیم به دست خود آتش دوزخی را بر خواهیم افروخت آنگاه مخاطبان خود را سوگند می دهد که با محبت و دوستی هر دو عالم را به بهشتی خرم تبدیل کنند و از نابخردی دست بر دارند. همچنین هشدار می دهد که مگر جنگ جهانی را که همه دنیا را نابود کرد و هنوز آثار شوم آن در جهان پیداست ندیده اید:

خدا هم عذرشان را خواست از دم	به جنت جنگ شیطان بود و آدم
جهنم با بهشت اینجاست توأم	فرود آوردشان در خاک و فرمود
وگر جنگ و جدل، دنیا بهشت است	اگر صلح و صفا عالم بهشت است
که غمگین می کنیم این عیش خرم	در این صورت چه نابخردکسانیم
که آتش زد به سرتاپای عالم	مگر جنگ جهانی را ندیدیم
هنوزش هست دنیا غرق ماتم	چه سوزان آتشی کز بعد سی سال
گهی شادی جزا بخشد گهی غم	به حق آن خداوندی که ما را
به خود جنت کنیم آن جهان هم	بیایید از محبت این جهان را

(شهریار، ج ۲: ۱۱۰۷-۱۱۰۶)

شهریار معتقد است عامل اصلی جنگ و خونریزی و نبود محبت، شیطان است که با فریب انسان ها آنها را به جان هم می اندازد و صلح و دوستی را از بین می برد. بنابراین از انسان ها می خواهد با اتحاد و همدلی بر این دشمنان که نمادی از شیطان هستند غلبه کنید:

حیدر بابا، شیطان بیزی آزدیزیب،  
محبتی اورکلردن قازدیریب،  
قره گونون سرنوشتین یازدیریب،  
سالیب خلقی بیر-بیرینون جانینا!  
باریشیغی بلشدیروب قانینا!  
حیدر بابا، گویلر بوتون دوماندی،  
گون لریمیز بیر بیرندن یاماندی،  
بیر-بیروزدن آیریلماین، آماندی!  
یاخشی بیزی یامان گونه سالوبلارا!

(شهریار، ۱۳۹۰: ۴۶ و ۳۳)

ترجمه: حیدر بابا شیطان ما را گول زده و مهر و محبت را از دل ما پاک کرده و سرنوشت ما را سیاه نوشته است. خلق را به جان هم انداخته و صلح و صفا را با خون یکسان کرده است. حیدر بابا آسمان همه اش گرفته و روزگارمان بدتر شده هرگز از همدیگر جدا نشوید چرا که ما را به روز بد انداختند و روزگار ما را سیاه کردند.

شهریار از جان فشانی و به خاک و خون غلتیدن جوانانی سخن به میان آورده که برای برقراری صلح و صفا بوده است: نوجوانان وطن بستر به خاک و خون گرفتند

# اولین همایش ملی علوم انسان در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



تا در بر شاهد آزادی و قانون گرفتند  
لاله از خاک جوانان می دم‌بردشت و هامون  
یا درفش سرخ بر سر انقلابیون گرفتند

(شهریار، ج ۱، ۱۳۸۹: ۲۰۷)

## ۵- پیامد های صلح در زندگی انسان

### ۵-۱- بر قراری عدالت و مجازات مجرمین

از دیدگاه شهریار با بر قراری صلح و آرامش عدالت و دادخواهی نیز بر قرار خواهد شد و خیل عظیمی از انسان های جنایتکار به سزای عمل خود خواهد رسید. از دیدگاه او تنها زمانی صلح واقعی در جامعه بر قرار خواهد شد که عاملان اصلی ناامنی ها و جنگ ها از بین بروند و انسان ها ی صلح دوست در رأس جامعه و حکومت قرار بگیرند. او در شعر یک «رویای صادقانه» تنها راه خلاصی انسان های مظلوم از چنگ خونخواران را نابودی این فرعون صفتان می داند.

شاهد پرده نشین چهره گشا می بینم  
آسمان کشتی نوحی که رها می بینم  
عرش و فرش آیینۀ صلح و صفا می بینم  
جام خضر و قُرُقُ آب به بقا می بینم  
تا به هر صحنه بگویم که چها می بینم  
چوبۀ دار مجازات به پا می بینم  
هم سر و کَلِّۀ موسا و عصا می بینم  
خود فروشان که خریدار خدا می بینم  
پای دَجَّال فرو در گل و لای می بینم  
وز زمین طاعت بی روی وریا می بینم  
که در این خانه، خدا خانه خدا می بینم  
(شهریار، ج ۱، ۱۳۸۹: ۳۱۹)

دارم از دور فلک، دور نما می بینم  
باز از غرش طوفان مهیب تاریخ  
اشگ و خون شسته غبار از رخ ملک و ملکوت  
پشت هر ابر رقیقی که غبار خورشید  
سینماها ملکوتی و همه چشم و چراغ  
به موازای علم های مجازات ناچار  
سرنگون گَلِّۀ فرعون به کام دریا  
خط فریبان دگر از راه خطا برگشته  
با گل و لاله سرافراشته مهدی و مسیح  
آسمان رحمت بی چون و چرا می بارد  
در همه کعبۀ دل یک بت خودخواهی نیست

همچنین در پیام دانوب به جامعه بشریت انسان ها را به صلح و آرامش و برادری و برابری و بر قراری عدالت در سایه صلحی که اعتدال داشته باشد دعوت می کند:

امروز بیا مساحت دنیا را  
تقسیم بکن به نسبت جمعیت  
سهمیۀ هریک از ملل روشن کن  
بسپار به دست هر کسی سهمش را  
کم را بفزای و بیش را کاهش ده  
از وسعت خاک و مشرب و استقلال  
باید همه ملل مساوی باشند  
البته به نسبت جماعات و نفوس  
وآنکه همه تحت یک رژیم و قانون  
نه آنهمه افراط و نه چندین تفریط  
نه این کمونستی نه آن استعمار



# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



تبعیض بطور کلی از بن بر کن  
{یا آن ملل و امم که مظلوم شدند،  
یا کینه ای از گذشته در دل دارند}  
عذر همه گذشته ها نیز بخواه  
مگذار که ملتی بود ناراضی  
بگذار تشنج از میان اقوام  
از بهر همیشه رخت بر بندد  
دیوانه جنگ گم کند گورش را  
از علم و تمدنی به این باد و بروت  
یک گام به سوی بشریت بردار  
تنها یک گام  
سیمای گرفته جهان خندان کن

(شهریار، ج ۲، ۱۳۸۹: ۹۷۸-۹۷۷)

## ۵-۲- صلح عامل نابودی جنگ

انسان در طول زندگی خود همیشه با حوادث و رخداد هایی دست و پنجه نرم می کند که این حوادث باعث نابودی سرزمین ها و قتل و کشتار انسان های بی گناه زیادی می شود. از دیدگاه شهریار تنها راه خلاصی انسان ها از جنگ های خانمانسوز برقراری وسیع صلح و آرامش است اگر سیطره صلح و صفا بیشتر باشد جنگ و نفاق از جهان نابود خواهد شد.

شهریار با دعایی از ته دل از خداوند برقراری صلح را می طلبد. که باعث محو شدن جنگ و خونریزی از روی زمین است:

خدای من به تو ای قبله گاه دیر و حرم ترا به کوکب صبح و به آفتاب بلند ترا به آه اسیرا اشگ و آه انگیز که هر چه صلح و صفا در زمان کنی پیدا مهار این شتران خود به سوی کعبه کشان دگر مخواه و نخواهی تو پرده درید نگین ملک سلیمان به دست تقوا ده خود این قلوب پراکنده را به هم پیوند به حمد و محمّدت بندگان خاص الخاص من آن جهنم سوزان به جان خود دیدم	که از عبادت بتخانه هم تویی مقصود ترا به فجر سپید و به آسمان کبود ترا به خون شهیدان خاک و خون آلود هر آنچه جنگ و نفاق در جهان کنی نابود که سیرها همه جز سوی ارتداد نبود که جز ندامت از این کشته ها کسی ندرود که دیو های مقید شکسته اند قیود صف نماز کن از صف جدال و جنود که کار و عاقبت کار جمله کن محمود روا مدار که باز از سرم بر آید دود
--	---

(شهریار، ج ۱، ۱۳۸۹: ۵۰۷)

همانطور که در جای جای این پایان نامه گفته شده شهریار از جنگ و خونریزی نفرت داشت ولی با این حال او انسان ها را برای برقراری صلح به جنگ تشویق می کرد از دیدگاه وی جنگ با جهانخواران برای کفّار جهنم و برای صلح و صفا بهشت است:

جهاد کن که پس از جنگ با جهانخواران  
جهان جهنم کفر و بهشت صلح و صفاست

(شهریار، ج ۲، ۱۳۸۹: ۱۱۴۹)

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



## ۵-۳- بر قراری زندگی سالم و آرام

شهریار در اشعار خود از بر قراری یک زندگی سالم و راحت که فقط در گرو بر قراری صلح میسر است حرف می زند او از انسان ها می خواهد اگر می خواهی یک زندگی سالم و بی دردسر داشته باشی راه صفا را در پیش بگیر و زندگی را بی خود وبی جهت به تنگنا نکشان از دیدگاه او اگر عرصه زندگی را بر خود تنگ کنیم مسلماً به جنگ ختم خواهد شد او انسان ها دعوت می کند به استفاده از نعمت های بی شمار و رایگان خداوند که در اختیار همه قرار دارد و نیازی به جنگ و نزاع برای بدست آوردن آنها نیست. او داشتن یک زندگی سالم را در گرو برقراری صلح در جامعه می داند:

دشمن ناموس بشر ساختیم  
گر نه بلایی به رخت سد چرا  
باز در او جای تو و جای من  
تا دل تنگت نکشاند به جنگ  
راه صفا پوی فصیح و فراغ  
هر دو توانیم به حق اکتفا  
حاجت غارتگری و جنگ نیست  
روی هم انباشته برگ و نواست  
داده طبیعت همه را رایگان  
رزق بکشت است بکار و بچر  
(شهریار، ج ۲، ۱۳۸۹: ۷۰۴)

دین و وطن مایه شر ساختیم  
صحبت مرز و سخن و حد چرا؟  
از چه جهان را نگزینی وطن  
این همه میسند به خود عرصه تنگ  
خود مفکن این همه در سنگلاخ  
گر به جهان حکمروا شد صفا  
راه معیشت به جهان تنگ نیست  
آنچه به خاک است وبه آب و هوا  
این همه گنج است و همه شایگان  
گنج به کان است، در آر و ببر

در ادامه از انسان می خواهد دست از ظلم و ستم و برده فروشی و... بردارد و به مهرورزی و صلح و صفا روی بیاورد چرا که زندگی انسان همیشه با صلح و صفا در آرامش است:

برده خریدن به سیاست چرا؟  
از چه جهان یکسره خواهی غلام  
خلق خدا بنده خود ساختن  
سهل بود گر بود از دیگران  
لیک قوی بست تواند شکست  
مرگ روا بود به همسایگان  
ورنه نه قانون تو پاید نه مرز  
(همان: ۷۰۴)

این همه سودای سیادت چرا؟  
برده فروشی نه تو خواندی حرام؟  
چیست به مستعمره پرداختن؟  
نقض قوانین که نماید گران  
مرز بلاد ار چه حریم است و بست؟  
مرز ندانند به بی مایگان  
گر بشود مهر و صفایی بوز

## ۵-۴- صلح عامل استحکام دین

شهریار با استناد به صلح امام حسین (ع) با معاویه که بخاطر استحکام دین بود. هر چند که انسان های احمق و سطحی نگر معنای اصلی صلح ایشان را درک نکردند. (البته بحث در این مورد مجال دیگری را می طلبد.) جنگ و خونریزی را عامل نابودی دین می داند از نظر او صلح در جایی که نیاز ضروری به آن است. باعث استواری دین می شود:

دین اینجاست زاده و رفته به مکتب  
جهاد جانگدازی کرده با صبر  
به صلحی پایه های دین نگه داشت  
منافق یا مسلمان هر دو احمق  
(شهریار، ج ۲، ۱۳۸۹: ۷۹۳)

امام ما حسن، ماه مؤدب  
مجاهد اوست کز گهواره تا قبر  
چو جنگ از کاخ دین یک خشت نگذاشت  
گزیدندش به تیر طعنه و دق

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



## ۶- نتیجه گیری و پیشنهادات

آنچه پس از نگارش این تحقیق مشخص شد این است که شهریار شاعری بوده که به تمام مسائل جامعه توجه خاص داشته، او شاعری بوده که علاوه بر سرودن اشعار عاشقانه، عرفانی، اجتماعی و... به سرودن شعرهایی با مضامین جنگ و صلح توجه ویژه داشته او از جنگ نفرت بسیار داشته و همیشه در آرزوی برقراری صلح و آرامش در جامعه بوده است. او به تأثیر جنگ جهانی و جنگ ایران و عراق کرده واز قتل و کشتار انسان های بی گناه در طول این جنگ ها و به پیامدهای دیگر آن از جمله قحطی، شیوع بیماری و... سخن گفته است. همچنین از استعمارگران و بیگانگان که اموال عمومی مردم را غارت و چپاول می کنند انتقاد کرده و تنها راه نجات مردم را از قید بیگانگان تمسک به قرآن و اتحاد و همدلی مردم دانسته و همچنین دانشمندی چون انشتین را تشویق به استفاده درست از علم و دانششان کرده است. در کل شهریار انسانی بوده طرفدار صلح و آرامش جهانی و نکوهش کننده جنگ و خونریزی، و همچنین در مورد عواقب خطرناک جنگ بر جامعه هشدار می دهد.

## مراجع

- [۱] قرآن کریم
- [۲] دهخدا، ع، ۱۳۳۷، لغت نامه دهخدا، نشر دانشگاه تهران
- [۳] شهریار، م، ۱۳۸۹، دیوان اشعار فارسی، ۲ جلد، تهران: انتشارات نگاه، چاپ چهل و سوم
- [۴] شهریار، م، ۱۳۹۰، کلیات اشعار ترکی، (با مقدمه، تصحیح و ... حمید محمد زاده)، تهران: زرین، موسسه انتشارات نگاه، چاپ سی ام
- [۵] هیأت نویسندگان دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی کل قوا، ۱۳۷۷، روزها و رویدادها، جلد اول، تهران: نشر رامین، چاپ دوم
- [۶] اخوان، ص، ۱۳۸۰، ایران و جنگ جهانی اول (مجموعه مقالات سمینار)، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول
- [۷] کرمانی، ن، ۱۳۷۶، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: نشر پیکان، جلد اول
- [۸] کاویان پور، ا، ۱۳۸۷، زندگانی و ادب اجتماعی شهریار، تهران: انتشارات اقبال، چاپ ششم
- [۹] صبور، د، ۱۳۷۸، برکران بیکران (نگاهی به شعر معاصر فارسی)، تهران: انتشارات سخن، چاپ اول
- [۱۰] الهی، ه، ۱۳۶۵، اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم
- [۱۱] توکلی، ی، خرداد ۱۳۸۶، دوره وحشت (نگاهی به جنگ ها و تاثیرات اجتماعی آن ها)، نشریه فرهنگ و هنر و سوره، شماره ۳۲
- [۱۲] صدر نبوی، ر، ۱۳۷۰، مسائل اجتماعی ایران در جنگ جهانی دوم، تهران، نشریه جغرافیا، تحقیقات جغرافیای سیاسی، شماره ۲
- [۱۳] سایکس، سرپرستی، ۱۳۶۲، تاریخ ایران، ترجمه فخرداعی گیلان، م، ت، تهران: انتشارات ایران، چاپ سوم، جلد دوم
- [۱۴] حکیمیان، ب، ۱۳۸۶، اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران در طی جنگ جهانی دوم، نشریه علوم انسانی، شماره ۱۸۶
- [۱۵] روشه، گی، ۱۳۷۰، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی، چاپ سوم
- [16] <http://www.ido.ir>.
- [17] <http://fa.wikipedia.org>.
- [18] <http://www.humanrights-iran.ir>